

حقوق کودک بر اساس قرآن و روایات

آرزو میرشکار

مقدمه

کودکی مهم ترین و تاثیر گذارترین دوران در منش و رفتار ادمی است که بر هیچ کس پوشیده نیست اهمیت ویژه و تاکید فراوان از سوی دانشمندان و روانشناسان و جامعه شناسان بر آن شده است از این دوران به دوران طلایی شکل گیری منش ادمی یاد کنند. نهال وجودی کودک در عین حال که نیاز به ایاری دارد آن را باید از گزند افات و آسیب دور نگه داشته شود تا بتواند دچار مشکلات عدیده روانی اجتماعی و خانوادگی نشود و میوه گندیده و کرم خورده ای ببار نیاید.

اهمیت آن تا جایی پیش رفت که برای آن در قوانین کشورها و کنوانسیون های بین المللی قوانینی وضع شده و سازمان بین المللی با نام یونیسف برای حمایت از حقوق کودکان در 11 دسامبر 1946 بعد از جنگ جهانی دوم دایر شده ..

این در حالی است که در قرآن کریم و پیامبر مهربانی و پیشوایان ما برای کودکی در چهارده قرن پیش برای آن از اهمیت ویژه ای برخوردار بودند و بر حقوق کودک تاکید داشتند و این جزئی وظایف اخلاقی هر مسلمان بود و بر هر مسلمان واجب بود که مطابق روش آنان پیش رود و بر آن اهتمام ورزد

براین اساس تلاش شده به حقوق کودکان از دیدگاه آیات و روایات پرداخته شود.

مفهوم شناسی:

حقوق -حقوق کودک -آیات - روایات

تعریف حقوق

حقوق جمع "حق" است. که در لغت به معنای واجب، ثبوت مطابق با واقع، و مطابقت و وقوع شیء در محل خودش آمده که این معنا در تمام مصادیق قابل تطبیق می‌باشد. [1. قرشی - علی اکبر، قاموس قرآن - ص 158] برخی نیز برای "حق" وجوه مختلفی شمرده‌اند:

1. به معنی ایجاد کننده‌ی چیزی از روی حکمت

2. خود موجودی که به مقتضای حکمت ایجاد شده

3. اعتقاد مطابق با واقعیت

4. واجبی که اتیان شود. (2. راغب اصفهانی، محمد - المفردات فی غریب القرآن - ص 246)

البته در منطق قرآن هر چیزی "حق" نیست، هر چند مردم آن را حق بپندارند؛ بلکه حق عبارت است از چیزی که خدا آن را محقق و دارای ثبوت کرده (در عالم ایجاد یا در عالم تشریع)؛ بنابراین "حق" در عالم تشریع و در ظرف اجتماع دینی عبارتست از چیزی که خداوند آن را به عنوان "حق" قرار داده؛ مانند: حقوق مالی، حقوق برادران و حقوقی که پدر و مادر بر فرزند دارد. (3. علامه طباطبائی - المیزان - ص 225)

فرزند در لغت

فرزند انسان از زمان تولد تا بلوغ، کودک یا «صغیر» نامیده می‌شود که معادل آن در زبان عربی طفل است. (4. انیسوری - فرهنگ سخن - ص 5998) در مصباح المنیر آمده است: «فرزند صغیر انسان را کودک (طفل) نامند. این لفظ بر فرزند مذکر (پسر) و مؤنث (دختر) و نیز جمع آن‌ها (فرزندان) اطلاق می‌گردد و تا زمانی که به سن تمیز نرسیده است، او را طفل صغیر می‌نامند» (5. فیومی - مصباح المنیر - ص 374).

در کتب لغت چند مرحله از سن کودک قبل از بلوغ به‌طور خاص مورد توجه قرار گرفته و عبارتند از:

جنین

کودک تا زمانی که در شکم مادر است و زاییده نشده، جنین نام دارد.

فیومی از لغت‌شناسان معروف می‌گوید: جنین وصف کودک است تا زمانی که در شکم مادر است و با اجتناء جمع بسته می‌شود. هر چند در لغت عرب کودک بر جنین در رحم مادر اطلاق شده، ولی در

مباحثات رایج عرفی و نیز در اصطلاح فقیهان متداول نیست و استعمال نمی‌شود و به جهت این که مستور و پوشیده است، این نام بر او گذاشته شده است. (6. فیومی-مصباح المنیر-ص 111).

رضیع

کودک بعد از تولد، در زمان شیرخوارگی رضیع نام دارد.

رضع الصبی: در زبان عربی به کودکی گفته می‌شود که شیر مادر را از پستان می‌خورد.

ممیز

کودک ممیز، این کلمه از ماده‌ی تمیز گرفته شده و به معنی جدایی اشیاء از یکدیگر است. و در جایی به کار می‌رود که چند چیز با یکدیگر مشتبّه شده باشند و فرد یا افرادی آن‌ها را مشخص و از یکدیگر جدا سازند. در قرآن آمده است: «لِيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ» (7. سوره انفال آیه 37)

تا این که خداوند افراد پلید را از پاکیزه جدا سازد.» بنابراین کودک ممیز، کودکی است که می‌تواند سود و زیان خود را تشخیص دهد. در مصباح المنیر نقل شده است: «تمیز قوه‌ای است در مغز انسان که به او توانایی می‌دهد معانی و مفاهیم را از یکدیگر جدا ساخته و مشخص نماید. (8. فیومی-احمد، مصباح المنیر ص 587) .

غیرممیز هم بر کودکی اطلاق می‌شود که به این حدّ از فهم نرسیده و قدرت تشخیص سود و زیان خود را ندارد. مانند کودکان شیرخوار و بچه‌های سه - چهار ساله.

مراهق

کودک مراهق، کودکی است که نزدیک به احتلام و در شرف بلوغ باشد (9. مجمع الوسیط-ج 1-ص 387)

چه دختر و چه پسر.

در لسان العرب آمده است، کودک ده - پازده ساله را مراهق گویند (10. ابن منظور- لسان العرب، ج 10، ص 130).

غیرمراهق هم کودکی است که هنوز در ابتدای دوره‌ی تمیز باشد و تا زمان بلوغ او، چند سال باقی مانده و علائق آن در وی ظاهر نشود. ————— ده باش ————— د.

حقوق کودک قبل از تولد

انتخاب مادر شایسته بر خلاف آنچه رسانه‌های مسموم می‌کوشند تا ازدواج و انتخاب همسر را امری شخصی جلوه دهند، اسلام آن را امری فرا شخصی می‌داند؛ زیرا یکی از حقوق کودک قبل از تولد این است که هر یک از والدینش، در گزینش همسر انتخابی شایسته کرده باشند؛ مسأله‌ای که متأسفانه اغلب زوجین به آن بی‌توجه هستند. .

الف) ایمان و تدین

قرآن مسلمانان را از ازدواج با مشرکان منع کرده است تا زمانی که ایمان بیاورند: «وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا» و زن‌های مشرک را به همسری نگیرید تا ایمان بیاورند. (11. قرآن کریم-سوره بقره آیه 221). »

ب) اصالت خانوادگی

قرآن در آیه «وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبَثَ لَا يَخْرِجُ إِلَّا نَجَسًا» سرزمین پاک، گیاهش به اذن پروردگارش (فراوان و پر بار) بیرون می‌آید و آن (سرزمینی) که پلید است (گیاهش) جز اندک و بی‌خیر بیرون نمی‌آید»، محیط خانواده را به سرزمین پاک و سرزمین ناپاک تشبیه کرده است که بر گیاهان خود تأثیرات مستقیم دارند. (12. قرآن کریم -سوره اعراف آیه 58).

ج) عقل و هوش

آینده کودکان و روش آن‌ها در زندگی، به عقل و هوشی که از والدین به ارث می‌برند، بستگی دارد؛ چنانکه امام علی (علیه السلام) فرموده است: «إِيَّاكُمْ وَ تَرْوِيجَ الْحَمَقَاءِ فَإِنَّ صُحْبَتَهَا بَلَاءٌ وَ وَلَدَهَا ضِيَاعٌ» از ازدواج با شخصی که از لحاظ ذهنی دچار اختلال است، بپرهیزید؛ زیرا در صورت ازدواج، زندگی با بلاست و فرزندان‌ش نیز تباه می‌شوند (13. الکافی-ص 353 و تهذیب الاحکام ج 7 ص 40) -

د) سلامت جسمی و روانی

برخوردار نبودن هر یک از والدین از سلامت جسمی و روانی، آرامش خانواده را به مرور از بین می‌برد و مانع تربیت صحیح فرزند می‌شود. کودک متولد شده در چنین محیط نامطلوبی، ناخواسته درگیر مشکلات والدین می‌شود. جدایی والدین، آسیب‌های جدی بر کودک وارد می‌کند که ظلم بزرگی به اوست. اگر جوانان با دقت بیشتر و معیارهای صحیح شریک زندگی خویش را انتخاب کنند، با چنین مشکلاتی نیز دست و پنجه نرم نکرده و به کودکان خود نیز آسیب نمی‌رسانند.

۲. حق حیات جنین :

جنین بعد از استقرار در رحم، مانند دیگر انسان‌ها از حق حیات برخوردار است و نباید مورد ظلم قرار بگیرد. شیوع افکاری در فضای جامعه جهانی مانند حقوق مادر، حق تسلط بر بدن و فروش جنین و ... یا مواردی مانند فقر مالی، فرهنگی و مشکلات اجتماعی، بهانه‌ای موجه برای سقط جنین شده و به والدین اجازه داده می‌شود تا برای نگهداری یا

سقط جنین تصمیم بگیرند. در حالی که قرآن از کشتن فرزندان به شدت نهی کرده است: «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةً إِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ نَزَارُهُمْ وَاِيَّاكُمْ: و فرزندان خود را از ترس فقر و تنگدستی نکشید، ماییم که آن‌ها و شما را روزی می‌دهیم.» (14. قرآن کریم - سوره اسرا - ای - 31)

سقط جنین از نظر حقوق اسلام، جرم است و عامل به آن، مجرم تلقی می‌شود و برای خاطیان (مادر، پزشک متخصص و...) دیه و حبس مقرر شده است تا از این طریق، حق سقط جنین از پدر و مادر به بهانه‌های واهی گرفته شود و هیچ امری جز در خطر بودن سلامت مادر، حق زندگی را از کودک سلب نکند. رئیس وقت سازمان پزشکی قانونی در اردیبهشت سال (صلی الله علیه و آله) ۸، آمار سقط جنین در سال ۶ (صلی الله علیه و آله) را (صلی الله علیه و آله) هزار و ۳۰۴ مورد و در سال (صلی الله علیه و آله) (علیه السلام)، (صلی الله علیه و آله) هزار و ۱۴۳ مورد و به طور کلی سالانه ۴۵۰ هزار سقط در کشور را اعلام کرده است. در دوران جاهلیت، کودکان دختر را بعد از به دنیا آمدن زنده به گور می‌کردند و متأسفانه اکنون والدین گاه به بهانه‌های واهی، حق حیات را از جنین خود قبل از تولد می‌گیرند!

(همشهری آنلاین؛ «سالی ۴۵۰ هزار سقط جنین در کشور؛ ۱۲۵ هزار غیرقانونی»؛ ۱۳۸/۱۱/۱)

۳. نفقه و ارث جنین :

از دیدگاه اسلام جنین بعد از انعقاد نطفه، به عنوان یک انسان شخصیت حقوقی دارد و مانند سایر اعضای خانواده، به او نفقه و ارث تعلق می‌گیرد، صاحب اموال خود می‌باشد و اداره مالی او به عهده ولی او خواهد بود. با عمل به توصیه‌ها و رهنمودهای اسلامی، حق و حقوق مادی و معنوی کودک و والدین در زندگی از بین نخواهد رفت؛ یعنی حق حیات جنین قبل از تولد، بی‌صدا و بی‌گناه و به بهانه‌های واهی از او سلب نمی‌شود یا اموال و دارایی‌اش خرج نمی‌شود تا بعد از تولد، در فقر به زندگی ادامه ندهند.

حقوق کودک بعد از ولادت خانواده، محبوب‌ترین بنیاد و بنیان اجتماعی از دیدگاه اسلام است و زن و شوهر، کانون پر مهر خانواده را تشکیل داده‌اند که کودک، محصول این پیوند است. کودک پس از تولد نیز دارای حقوقی است که عبارتند از: انتخاب نام نیک، حق تغذیه با شیر مادر، حق بازی، حق تعلیم و تربیت و حق مهرورزی و تکریم - حق دفاع و حق مشورت با فرزند و حق ارثانتخاب نام نیک اولین حق کودک بعد از تولد، انتخاب نامی شایسته توسط والدین است؛ زیرا اسم معرف هویت اوست. انتخاب نام نامناسب، اثر مخربی بر فرزند دارد که گاه تا پایان عمر با او همراه خواهد بود. متأسفانه امروزه به جای گذاشتن نام نیک بر فرزند، رقابتی سخت میان خانواده‌ها ایجاد شده تا اسامی به روز و خاص بر فرزندشان بگذارند، بی‌آنکه به اثر ناپسند آن نام بر فرزند خود بیاندیشند. در روایتی آمده است که

سرپرستی کند تا آنکه بی‌نیاز گردد، خداوند به سبب این کار بهشت را بر او واجب می‌کند؛ همان‌گونه دوزخ را بر خورنده ممالال یتیم واجب ساخته است

6. حق دفاع در برابر ظالمان

یکی دیگر از حقوقی که خداوند در قبال فرزندان بر عهده‌ی پدر و مادر گذاشته، حق دفاع از آنان و مبارزه با ظالمان است:

«وَمَا لَكُمْ لَأْتَأْتُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ...» چرا در راه خدا و (در راه) مردان و زنان و کودکانی که (بدست ستمگران) تضعیف شده‌اند، پیکار نمی‌کنید؟ (26-قرآن کریم سوره نسا ایه 10)!!!

مقصود از استفهام در این آیه، خطاب دستوری برای مجاهدین مسلمان است که با متجاوزین پیکار کنند؛ (27.تفسیر نمونه ج 4 ص 9) و منظور از "ولدان" فرزندان مؤمنین است. در این آیه خداوند با استفاده از عواطف انسانی مؤمنان را تشویق به اجرای احکام اسلامی می‌کند؛ یعنی آیه‌ی شریفه، بندگان را تشویق کرده و برمی‌انگیزد، برای این که وظیفه‌ی خود را در رابطه با دفاع از خویشاوندان خود به خصوص زنان و فرزندان مستضعف که در چنگ دشمنان گرفتارند و قدرت فرار و توان کار دیگری را ندارند، از ظلم ظالمان نجات دهند.

7. حق مشورت با فرزند:

تربیت فرزند اقتضاء می‌کند که در سنین مختلف رفتار والدین نیز نسبت با اقتضای سنی او متفاوت باشد؛ از این رو خداوند با داستان حضرت ابراهیم و حضرت اسماعیل علیهم السلام نشان می‌دهد، برای فرزندی که به سن جوانی رسیده، حق مشورت باید قائل شویم:

«فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَىٰ فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ...» هنگامی که با او به مقام سعی و کوشش رسید، گفت: پسر من! من در خواب دیدم که تو را ذبح می‌کنم (28.قرآن کریم سوره صافات ایه 102)...

منظور از "سعی" این است که به سن رسیده بود که عادتاً می‌توانست در کارهای زندگی به پدر خود کمک کند؛ و از فرازهای بعد معلوم می‌شود که حضرت ابراهیم با فرزندش در این مسأله با این که حتمی بود، مشورت کرد. (29.الجدید فی تفسیر القرآن المجید ج 6 ص 76).

در این تعبیرات از یک سو پدر با صراحت مسالهی ذبح را با فرزند نوجوان یا جوان خود مطرح می‌کند و از سوی دیگر چون برای او شخصیت مستقل و آزادی اراده قائل بود، با او مشورت نموده و نظر وی را خواستار است

8. حق ارث:

یکی دیگر از حقوق فرزندان بر پدر و مادر حق ارث است که با فطرت و طبیعت مطابقت دارد و از زمان حضرت آدم علیه السلام مقرر بوده و در زمان پیامبران دیگر از جمله حضرت زکریا علیه السلام و حضرت سلیمان علیه السلام نیز احکام ارث وجود داشت؛ که در دین اسلام نیز این حکم جریان یافت و سهم وارثان در کلام الهی مقرر گردید (30. قرآن کریم سوره نسا ایه 11) «يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيَيْنِ ...» خداوند درباره‌ی فرزندان به شما سفارش می‌کند که سهم (میراث) پسر، به اندازه‌ی سهم دو دختر باشد (31. قرآن کریم سوره نسا ایه 11)

نتیجه گیری:

در آموزه‌های آسمانی اسلام، همه کودکان از دختر و پسر، حقوق و مزایای معینی دارند و همگان از اعمال هر گونه خشونت و بی‌رحمی در حق آنان باز داشته شده‌اند. این در حالی است که پیش از اسلام، میان اعراب و دیگر اقوام، کودکان در وضع نامناسبی قرار داشتند و از کمترین حقوق عادی نیز بهره‌مند نبودند. اهمیت و ارزش کودکان در اسلام تا آنجاست که آن‌ها نه فقط پس از تولد، بلکه پیش از تولد نیز دارای حقوقی هستند. گزافه نیست اگر بگوییم اسلام، اساس حقوق بشر را با حقوقی که برای کودکان در نظر گرفته، پایه‌گذاری کرده است.

فهرست منابع

- 1- قرشی، سید علی اکبر؛ قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الإسلامیة، 1371ش، چاپ ششم، ج2، ص 158.
- 2- راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالعلم الدارالشامیة، 1412ق، چاپ اول، ص 246.
- 3- طباطبایی (علامه)، سید محمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن، قم، جامعہ مدرسین حوزہ علمیہ قم، 1417ق، چاپ پنجم، ج 1، ص 225.
- 4- انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، انتشارات نور، تهران، جلد 6، صفحه 59-89.
- 5- فی یومی، احمد بن محمد، مصباح المنیر، صفحه 374.

- 6- فی یومی، احمد ابن محمد، مصباح امنیر، صفحه 111
- 7- قرآن کریم، سوره انفال، آیه 37، صفحه 181
- 8- فی یمومی، احمد بن محمد، مصباح المنیر، صفحه 77
- 9- جمعی از نویسندگان، معجم الوسیط، جلد 1، انتشارات میزان، تهران، صفحه 378
- 10- ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب، بیروت، دار صادر، 1414ق، چاپ سوم، ج 10، ص 50
- 11- قرآن کریم، سوره بقره، آیه 221، جزئی 2، حزب 4، ص 35
- 12- قرآن کریم، سوره اعراف، آیه 58، جزئی 8، حزب 32، ص 158
- 13- کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی؛ تهران: دارالکتب
الإسلامیة، ج 5، ص 353 ح 1
- 14- قرآن کریم، سوره اسراء، آیه 31، جزئی 15، حزب 57، ص 258
- 15- قرآن کریم، سوره بقره، آیه 233، جزئی 2، حزب 8، ص 37
- 16- شیخ صدوق، محمد بن علی، عیون الاخبار الرضا، چاپ سوم تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج 1، ص 8
- 17- طبرسی، فضل بن حسن؛ مکارم الأخلاق؛ چاپ چهارم، قم: انتشارات الشریف الرضی، ج 1، ص 477
- 18- کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی؛ تهران: دارالکتب
الإسلامیة، ۱۴۰ق، ج 6، ص 49.
- 19- قرآن کریم سوره لقمان، آیه 13، جزئی 21
- 20- قرآن کریم، سوره بقره، آیه 132، جزئی اول، حزب 4، ص 20
- 21- طبرسی، فضل بن حسن؛ مکارم الأخلاق؛ چاپ چهارم، قم: انتشارات الشریف الرضی، ج 1، ص 222
- 22- رجایی، غلامعلی؛ برداشت‌هایی از سیره امام خمینی (رحمت الله علیه)؛ تهران: مؤسسه تنظیم نشر و آثار امام خمینی (رحمت
الله علیه)، ۱۳۲ش
- 23- شیخ حر عاملی، محمد بن حسین، تفصیل وسایل شیعیه الی تحصیل مسائل شریعه، چاپ اول، مشهد
انتشارات آستان قدس رضوی، ج 1، ص 21
- 24- کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی؛ تهران: دارالکتب
الإسلامیة، ۱۴۰ق، ج 6، ص 49.

25-قرآن کریم،سوره صافات آیه 102،جزئ 23،حزب 90،ص 449

26-قرآن کریم سوره نسا،آیه 10،جزئ 4 حزب 16،ص 78

27- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران؛ تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الإسلامیة، 1374ش، چاپ اول، ج 4، ص 9

28- قرآن کریم سوره نسا،آیه 10،جزئ 4 حزب 16،ص 78

29- سبزواری نجفی، محمد بن حبیب‌الله؛ الجدید فی تفسیر القرآن المجید، بیروت، دارالتعارف، 1406ق، چاپ اول، ج 6، ص 76

30- قرآن کریم سوره نسا،آیه 11،جزئ 4 حزب 16،ص 78